

کشته وزخمی شدن ده‌ها تروریست در حمله ارتش سوریه

منبعی در وزارت دفاع سوریه دیروز از تلفات شمار زیادی از تروریست‌ها در استان‌های حلب و حمه خبر داد.

خبرگزاری سانای سوریه به نقل از این منبع گزارش داد که که هواپیماهای سوری و روسی طی حملات مشترک، حملات هوایی و موشکی دقیقی در ریف جنوبی ادلب و ریف شمالی استان حلب انجام داده‌اند که براتر آنها



باروی کار آمدن دوتال ترامپ در کراخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵، انتظار می‌رود که نگرش او به رابطه با چین به‌عنوان رقیب اصلی اقتصادی در جهان دستخوش تغییری شود. با نگاهی به سابقه روابط ترامپ و چین و تغییرات رویکرد ایالات متحده نسبت به این کشور، می‌توان نگاهی داشت به وضعیت احتمالی روابط دو کشور در دوران ریاست جمهوری ترامپ.

نگاه به شرق

در دوران باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، رویکرد کلی این کشور دستخوش تغییرات جدی شد. قبل از این، از زمان حضور بیل کلینتون در اتاق بیضی، اهمیت چین در آینده ایالات متحده و جهان به‌طور نسبی مورد توجه قرار داشت. اما حملات ۱۱ سپتامبر و تمرکز جورج بوش بر غرب‌آسیا، باعث شد که چین به حاشیه رانده شود و توجه به این موضوع کاهش یابد. باراک اوباما به‌طور ناگهانی و با توجه به رشد روزافزون اقتصادی چین، سیاستی را تحت عنوان «چرخش به آسیا» (Pivot to Asia) معرفی کرد. این سیاست به‌جای تمرکز بر اروپا و غرب‌آسیا، توجه اصلی خود را به مسأله چین معطوف می‌کند. با روی کار آمدن دونالد ترامپ در دور اول ریاست‌جمهوری‌اش در سال ۲۰۱۶، مسأله چین به یک تقابل بین دو ابرقدرت اقتصادی تبدیل شد. کاخ سفید ترامپ تلاش می‌کرد با محدود کردن اقتصادی چین از طریق اعمال محدودیت‌های صادرات تکنولوژیک و تعرفه‌های سنگین وارداتی که در برخی موارد به ۲۵ درصد می‌رسید، جلوی رشد اقتصادی روزافزون چین را بگیرد و از مهاجرت صنایع آمریکایی به بازار کار ارزان قیمت چین جلوگیری کرده و حتی این روند را معکوس کند. با ظهور بدیده کرونا و تأثیر شدید آن بر بازارهای جهانی به دلیل محدودیت‌های اجباری حمل‌ونقل بین‌المللی، تنوع‌بخشی به منابع تأمین کالا به یکی از مسائل اصلی تجاری آمریکا و اروپا تبدیل شد. این موضوع

ده‌ها تروریست کشته و زخمی شده و تجهیزات شان منهدم گردیده است.

خبرگزاری ریانووستی روسیه نیز به نقل از منبع امنیتی سوری گزارش داد که نیروی هوایی سوریه مقر فرماندهی تروریست‌ها در شهر خان شیخون در جنوب استان ادلب را هدف قرار داده است. آخرین تحولات سوریه از پیشروی نیروهای نظامی

روابط پکن و واشنگتن به کدام سو می‌رود؟

جدال ترامپ با اژدها

با توجه به احتمال بروز مجدد چنین وقایعی، ضروری به نظر می‌رسید. در کنار تمام این مسائل، موضوع تایوان پس از اتفاقی که در سال ۱۹۷۹ به امضا رسید و سیاست چین واحد، همواره یکی از محورهای اصلی توجه کشورهای غربی و منبع فشار بر چین بوده است. این موضوع پس از سال ۲۰۱۶ و با رویکرد متفاوت رئیس‌جمهور جدید این جزیره مبنی بر استقلال از چین، به روابط غرب و چین رنگ و بوی تازه‌ای بخشید.

تجارت و فراتر از آن

رویکرد ترامپ نسبت به چین را در وهله اول می‌توان رویکردی اقتصادی و تجاری دانست. نگاه شخص دونالد ترامپ به مسأله چین، بیش از آن‌که سیاسی باشد، ناشی از نگاه بازاری و بنگاه دارانه وی است. اگر به‌صورت خلاصه بخواهیم این نگاه را شرح دهیم می‌توان گفت که دونالد ترامپ در ابتدا نگران کسری تجاری آمریکا در رابطه با چین است. کسری تجاری‌ای که خلاف رویکرد «اول آمریکا» ترامپ بوده و به تقویت اقتصاد چین در قبال آمریکا منجر می‌شود. رویکرد ترامپ که به نظر می‌رسد در دور دوم ریاست‌جمهوری او ادامه داشته باشد، افزایش تعرفه‌های تجاری چین، بیش از عدد‌های کنونی است. دونالد ترامپ اعلام کرده این تعرفه‌ها می‌تواند تا ۶۰ درصد هم افزایش پیدا کند و هدف از آن بازگشت مشاغل به آمریکاست. مشاغلی که به علت هزینه کمتر تولید و نیروی کار، به چین مهاجرت کرده‌اند. با این کار، دو هدف میسر می‌شود؛ اگر مشاغل به داخل خاک آمریکا برگردند، باعث افزایش شغل و کاهش نرخ بیکاری در ایالات متحده می‌شود و اگر به کشورهای دیگری مانند هند، فیلیپین یا دیگر کشورهایی که

تعرفه وارداتی بر آنها اعمال نشده و رابطه بهتری با آمریکا دارند مهاجرت کنند، هم به کاهش رشد چین منجر شده و هم باعث تنوع بخشی به بازار وارداتی آمریکا می‌شود. هرچند به نظر می‌رسد این سیاست اگر ناگهانی و دفعی اعمال شود، به افزایش بی‌رویه کالاها و تورم در ایالات متحده منجر شده و جامعه آمریکایی را تحت تأثیر قرار دهد.

نگاه دیگری که در دولت آینده آمریکا نسبت به چین وجود دارد، مسأله رقابت سیاسی با این کشور است. با معرفی مارکو ربویو به‌عنوان وزیر امور خارجه و مواضع ضد چینی او و دیگر کاندیداها برای پست‌های کابینه، به نظر می‌رسد که رویکرد سیاسی در دولت آینده ترامپ نیز از اهمیت وزن قابل توجهی برخوردار باشد. این نگاه نیز به محدود کردن قدرت اقتصادی چین باور دارد و آن را ابزاری برای محدود کردن قدرت سیاسی و نظامی چین می‌داند و تلاش می‌کند مسأله را از هر دوسو پیگیری کند؛ یعنی هم محدودیت اقتصادی را طبق سیاست‌های شخص ترامپ پیش ببرد و هم فشار سیاسی را افزایش دهد.

در اینجا مسأله مهمی که مطرح می‌شود، مسأله تایوان است. همان‌طور که می‌دانیم، شناخت نظام تهدید در ایالات متحده از حمایت دوحزبی برخوردار است. به این معنا که هر دو حزب بر تهدید بودن چین توافق نظر دارند و هردو بر لزوم فشار به چین تأکید می‌کنند، اما تفاوت آنها در شیوه‌های

این کشور حکایت دارد و در مقابل، تکفیری‌ها نیز به حملات خود به برخی مناطق ادامه می‌دهند. روسیا الیوم، نیز گزارش داد شورای قبایل و عشایر سوری در استان الحسکه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که به‌صورت کامل به حمایت از ارتش این کشور در برابر عناصر تروریست که به حلب حمله کرده‌اند پایبند است.



سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زمینه مسائل نظامی انجام دهد و در این حوزه پیشرفت‌های چشمگیری داشته باشد. این وضعیت، به همراه وابستگی بازارهای آمریکا و اروپا به چین، به افزایش اعتماد به نفس این کشور در عرصه بین‌المللی منجر شده و به آن امکان داده است که در مذاکرات از موضع قدرت وارد شود.

شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین در دیداری که اواخر آبان ماه با جو بایدن در حاشیه اجلاس همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوس آرام در لیما ی پرو داشت، چهار خطر قرمز چین را برای آمریکا مشخص کرد. این اقدام که در روزهای آخر دولت جو بایدن صورت پذیرفت به نظر می‌رسد پیامی برای دولت جدید ترامپ باشد. خطر قرمزهای مشخص شده عبارتند از: مسأله تایوان، دموکراسی و حقوق بشر، نظام چین و حق توسعه چین. اهمیت این اقدام از آن بعد اهمیت دارد که این برای اولین بار است که چین دست به چنین اقدامی می‌زند و خطر قرمزهای کلان و مشخصی را برای دولت ایالات متحده ترسیم می‌کند. این موضوع در کنار تلاش بر نقش آفرینی سیاسی در غرب آسیا و مواردی از این دست، نشانگر آن است که چین در تلاش است از بازیگری منفعل و اقتصادی، به بازیگری فعال و همه جانبه در عرصه جهانی تبدیل شود و به‌ویژه در عرصه‌هایی که تهدید تشخیص می‌دهد، ایفای نقش رو به جلوتری داشته باشد. حال این وضعیت و داشتن موضع قدرت در قبال آمریکا، می‌تواند به تقابل مستقیم ایالات متحده با چین منجر شده و یا این دو بازیگر مهم عرصه جهان را به سمت همکاری در عرصه‌های مشترک و مدیریت اختلاف حرکت دهد. هرچند با رویکرد پیش‌بینی‌ناپذیر شخص ترامپ و موضع تند و خصمانه کابینه احتمالی او، تنش و تقابل محتمل‌تر به نظر می‌رسد اما باید توجه داشت که در دوران گذار نظم بین‌الملل و افول جایگاه ایالات متحده در نظم بین‌الملل، تصمیم دولت ترامپ و چین، هر دو نقش مهمی در جایگاه این دو کشور در نظم آینده جهانی خواهد داشت.



و با احتیاط عمل کرده است. او قصد دارد از تقابل نظامی با چین به نفع تایوان پرهیز کند و اعلام کرده که در صورت اقدام تهاجمی چین در خصوص تایوان، عواقب اقتصادی سنگینی دامن‌گیر چین خواهد شد. این دوراهی دشواری است که آمریکا با آن مواجه است و محاسبات آن را تحت تأثیر قرار خواهد داد. اگر چین در مورد تایوان اقدام کند، آمریکا با باید از تعهد خود نسبت به تایوان عقب‌نشینی کرده و میدان را برای چین خالی کند، یا به دلیل نداشتن پشتوانه سرزمینی در تایوان (برخلاف اوکراین) وارد تقابل مستقیم با چین شود که این موضوع می‌تواند به جنگی فراگیر و همه‌جانبه منجر گردد. این وضعیت دوگانه و نیاز حیاتی آمریکا و چین به صنعت ترانه‌های نیمه‌های تایوان نشان می‌دهد که اقدام اصلی ایالات متحده، فشار سیاسی و اقتصادی برای جلوگیری از درگیری در این منطقه خواهد بود. اما چین هرگز سیاست استقلال طلبی تایوان را نخواهد پذیرفت و در این حوزه بازی انفعالی نخواهد داشت.

آزدها برمی‌خیزد؟

چین به‌تنهایی ۱۵ درصد کل تجارت اروپا را در اختیار دارد، که این رقم از ۸۰۰ میلیارد دلار نیز فراتر رفته است. همچنین، کل مازاد تجاری چین در سال ۲۰۲۲ حدود ۹۰۰ میلیارد دلار بوده که ۴۰۰ میلیارد دلار آن فقط در تجارت با آمریکا بوده است. توسعه چین در سال‌های اخیر موجب شده است که

نیز نسبت به نقش آفرینی برلین در مناقشه اخیر، دید مثبتی ندارند. آلمان پس از ایالات متحده به‌عنوان مهم‌ترین تأمین‌کننده تسلیحات اوکراین در مقابله با روسیه محسوب می‌شود.

طبق گزارش دولت آلمان، از زمان تهاجم روسیه در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، تسلیحات و تجهیزات نظامی به ارزش حدود ۲۸ میلیارد یورو از سوی آلمان به اوکراین ارسال کرده یا وعده داده شده است. این شامل کمک‌های ۶۵۰ میلیون یورویی ای می‌شود که شولتس اخیراً اعلام کرده است.

شولتس همچنین یادآور شده که امسال آلمان به‌تنهایی بیش از کمک دو کشور انگلستان و فرانسه و چه‌بسا کشورهای دیگر به اوکراین کمک کرده است. شولتس درست پیش از وقوع جنگ اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ برای اولین بار به پایتخت اوکراین سفر کرده بود. او چهار ماه پس از حمله روسیه، در ژوئن ۲۰۲۲، بازدید دیگری را همراه با امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، و ماریو دراگی، نخست‌وزیر وقت ایتالیا انجام داد. این سه نفر در آن زمان راه را برای تبدیل شدن اوکراین به نامزد عضویت در اتحادیه اروپا هموار کردند اما اکنون اوکراین پشت در اتحادیه اروپا و ناتو گرفتار شده است؛ به عبارت گویاتر، کی‌یف نتنها به عضویت پیمان آتلانتیک شمالی در نیامده، بلکه چشم‌اندازی هم درخصوص عضویت در اتحادیه اروپا پیش روی خود نمی‌بیند.

پشت پرده سفر شولتس به کی یف



روسیه و اوکراین ایفا کند، غافل از این‌که روس‌ها برلین را بخشی از ناتو (بخشی از جنگ) قلمداد می‌کنند. در طرف مقابل، روس‌ها

آشکار و پنهان برلین در پرونده جنگ اوکراین آگاه هستند. شولتس قصد دارد در مناقشه کنونی، نقش یک میانجی را بین

صدراعظم آلمان پس از دو سال و نیم، بار دیگر به پایتخت اوکراین سفر کرد. اولاف شولتس که با قطار به اوکراین سفر کرده پس از رسیدن به کی‌یف، از تحویل تسلیحات بیشتر به اوکراین به‌ارزش ۶۵۰ میلیون یورو تا پایان دسامبر خبر داد.

موضع اخیر صدراعظم آلمان در جریان تماس تلفنی با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به خشم و سردرگمی در بین محافل سیاسی اوکراین دامن زده بود. اینک اولاف شولتس، صدراعظم آلمان برای نخستین بار پس از دو سال و نیم به پایتخت اوکراین سفر کرده است تا به این نگرانی پایان دهد.

او که با قطار به کی‌یف رفته در هنگام ورود از قصد آلمان برای تحویل تسلیحات بیشتری به ارزش ۶۵۰ میلیون یورو به اوکراین تا پایان ماه دسامبر خبر داد. با این حال، به‌نظر می‌رسد صدراعظم سرزمین ژرمنها، اهداف دیگری نیز از این سفر دارد که به‌صورت خاص، در عرصه دیپلماسی پنهان باکی یف ظهور و بروز می‌یابد.

شولتس پس از رسیدن به کی‌یف با بیان این‌که اوکراین می‌تواند

روی آلمان حساب کند، گفت: «می‌خواهم در اینجا روشن کنم

که آلمان همچنان قوی‌ترین حامی اوکراین در اروپا باقی خواهد

ماند. ما می‌گوییم چکار می‌انجام خواهیم داد و آنچه می‌گوییم،

عملی می‌کنیم.»

با این‌حال مقامات اوکرائنی به‌وضوح نسبت به تعارض مواضع

بین‌الملل

INTERNATIONAL

چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۳ شماره ۶۹۲۴

نگاه

کتابیون مافی اکروه بین‌الملل

آنگارادر سوریه به دنبال چیست؟



همزمان با آغاز آتش‌بس میان حزب... لبنان و رژیم صهیونیستی، گروهک تروریستی تحریرالشام، به‌ناگاه عملیات گسترده‌ای تحت عنوان عملیات پیشدستانه برای تصرف بخش‌هایی از حلب و ادلب آغاز کرد که منجر به واکنش ارتش سوریه و ورود نیروهای هوایی روسیه، مستقر در خاک این کشور برای مقابله با آنان شد.

پس از این حمله ناگهانی تروریست‌های مسلح تحریرالشام و نیروهای موسوم به ارتش آزاد سوریه که تحت کنترل ترکیه هستند، شهر استراتژیک حلب را مجدداً اشغال کردند.

اما سؤال این است که ترکیه در این ماجرا به دنبال چیست؟

نگاهی به شرایط منطقه نشان می‌دهد که ترکیه منافع بسیاری در وضعیت کنونی دارد که ازجمله آنها ادعای تاریخی بر حلب است و با اشغال آن توسط معارضین مسلح، این نفوذ محقق خواهد شد.

این آرزو آن‌قدر در این کشور طرفدار دارد که پارلمان ترکیه هرساله به‌صورت نمادین برای این دو شهر مبلغ یک لیره بودجه تعیین می‌کند تا نشان دهد هیچ‌گاه از فکر تصاحب آنها دست نکشیده است.

اشغال حلب منجر به محاصره شهر کردنشین ترفعت شده و کار ارتش ترکیه در آینده نزدیک برای گرفتن این منطقه را نیز آسان می‌کند.

آنگارای می‌خواهد با دیدگاه‌های نوعثمانی‌گری که اردوغان آنها را نمایندگی می‌کند، منطقه غرب آسیا را به حوزه نفوذ جدید خود در محیط پیرامونی‌اش تبدیل نماید و از این رهگذر، سوریه را عرصه‌ای مهم اریزایی می‌کند.

از سوی دیگر دولت آنگار هم اکنون بر این باور است که وضعیت برتر در میدان سوریه را دارد و بر آن است تا از این طریق بخشی از مشکلات خود ازجمله مسأله کردها در این کشور را حل کند.

دولتمردان ترکیه که شاهد ظهور اقلیم کردستان و که روژاوی سوریه به دوازدهمین استان کردنشین ترکیه متحد شده و به قولی به‌دنبال پیشگیری قبل از درمان هستند، ثرگ‌ها نمی‌خواهند در این منطقه شاهد حتی یک حاکمیت نیمه‌مستقل کردی باشند و این امر را بر خلاف منافع ملی‌شان می‌دانند.

از طرف دیگر، ترکیه با چالش‌های جدی با علویان سوریه مواجه است و سعی دارد به روش‌های غیردموکراتیک، مخالفان سیاست‌های دولت مرکزی را سرکوب کند.

الته آنگارا با تحت فشار قرار دادن دمشق تلاش می‌کند تا اسد را با خود همراه کند.

همچنین حضور پناهجویان در ترکیه شرایط سختی را برای آنگارا به‌وجود آورده و اکنون دولتمردان ترک به دنبال خلاص شدن از بحران پناهجویان که در شرایط سخت اقتصادی و شرایط ویژه اجتماعی ناشی از حضورشان تبدیل به زخمی ناسور شده‌اند، هستند.

با وجود این ترکیه در این میان می‌تواند با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شود ازجمله این‌که مدت‌هاست که دولتمردان آنگارا تلاش کرده‌اند تا در یک بازی دوگانه، توان چانه‌زنی خود را با غرب و جهان اسلام حفظ نمایند و سیاستی یک‌بام و دو‌هوا را دنبال می‌کنند.

اما اتخاذ چنین رویکردی از سوی ترکیه آن‌ها هم درست در زمانی که تمام بازیگران منطقه‌ای تلاش کردند تا با حمایت از آتش‌بس میان حزب... لبنان و رژیم صهیونیستی مانع از گسترش درگیری‌ها در منطقه و دخالت نیروهای فرمانطقه‌ای شوند، می‌تواند شرایط را به ضرر جبهه مقاومت پیش برده و این نقطه تاریکی در کارنامه اردوغان خواهد بود. این اقدامات همراه با استفاده مخالفان مسلح از تسلیحات ساخت ترکیه است که بدون همراهی دولت و ارتش این کشور ممکن نیست و این امر پیامدهای ناخوشایندی را برای این کشور در جامعه بین‌الملل به دنبال دارد.

از سوی دیگر این اقدام می‌تواند به نوعی کارشکنی در مسیر ایران - روسیه محسوب می‌شود که می‌تواند اعتماد ایران را به آنگارا کاهش داده و در شرایطی که این کشور نیاز به اعتماد و کمک همسایگان داشته، تنها بماند.

اما دولت آنگارا باید درنظر داشته باشد زمان دادن به تروریست‌هایی که سابقه ناامنی و وابستگی به گروه‌های تروریستی با کارنامه مشخص ازجمله القاعده دارند و به دنبال خود‌ترورو ناامنی را به همراه می‌آورند، هیچ تضمینی وجود ندارد که رویکردهای افراط‌گرایانه آنها در کشورهای دیگر تکرار نشود.